



توافق جناحی دولت روحانی با آمریکا منجر به تعطیلی برنامه هسته‌ای ایران و باقی ماندن تحریم‌ها شد
دولت جدید از مطالبه مردمی لغو واقعی تحریم‌ها کوتاه نیاید

مذاکرات ملی باشد

غنی‌سازی ایران در سطوح ۲۰ و ۶۰ درصد آمریکا را در حالت اضطرار قرار داده است

صفحه ۲



پالس منفی رئیس‌جمهور فرانسه علیه گفت‌وگوهای وین
تلاشی ناکام برای احیای نقش پلیس بد
در فرآیند مذاکرات است

امکرون!

دیدار رئیس‌جمهور فرانسه و بن‌سلمان در ریاض

به سلامتی خاشقجی

صفحات ۲ و ۳

تیتراهای امروز

دلار: ۳۰ هزار و ۳۸۰ تومان

نرخ‌های روانی دلار

در سال‌های اخیر پس از مذاکرات هسته‌ای بازار ارز واکنش‌های هیجانی نشان داده است



پس از مدت‌ها حذف رنگ قرمز کرونایی در نقشه کشور ۲ شهرستان در وضعیت قرمز قرار گرفتند

کرونای نقشه‌کش

ضرورت تدوین برنامه جامع و عملیاتی برای توسعه صنعت در ابتدای دولت سیزدهم

استراتژی توسعه صنعتی

سخت‌گویی شورای نگهبان: ابهام‌های شورای نگهبان درباره طرح «ساماندهی صنعت خودرو» رفع شد

جدی شدن واردات خودرو

شبکه‌های سیمیا در روزهای آخر پاییز با پیش‌سال‌های جدید جانی تازه می‌گیرند

سه‌پنج دو+

صفحه ۸

نگاه

افزایش منافع ایران با قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها

دکتر حسینعلی حاجی‌دلیگانی *

در حال حاضر وزارت امور خارجه خط مشی و سیاست‌گذاری‌های خود را طوری ترسیم کرده که بر اساس قانون اقدام راهبردی



برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران، پیش‌برود زمانی که قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها در مجلس مصوب شد، کمک‌شایانی به دستگاه دیپلماسی کشور کرد تا در مسیر منافع ملت ایران حرکت خود را استمرار ببخشد. در خیلی جاها قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها توانست آنچه حق ملت ایران است را برای کشورهای مربوط در حوزه برجام تبیین کند. دولتمردان با قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها مجبور شدند پای‌شان را از آنچه حق مردم است بیرون نگذارند و در چارچوب منافع مردم حرکت کنند. تهران مذاکره برای مذاکره نمی‌پذیرد چرا که نتیجه‌ای جز فرست‌سوزی برای کشور نخواهد داشت و به نحوی حرکت می‌کنیم که مذاکرات نتیجه‌بخش باشد.

قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از حقوق ملت ایران، توانست فضایی که برخی مصوبات برجلم موجب اعمال برخی محدودیت‌ها علیه جمهوری اسلامی شده بود را بشکند چرا که تعهدات آنهایی که متعهد بودند وظایفی را اجرایی کنند عملیاتی نشده بود اما دولت‌قبل‌همچنان به دشمنان باج می‌داد مجلس یازدهم توانست با قانون اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها مجدداً فعالیت‌های علمی و صلح‌آمیز هسته‌ای و غیرنظامی ایران را به حرکت درآورد. جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اقدام

راهبردی، برنامه و مواضع خود را مجدداً اعلام کرد لذا تمام تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ملت ایران باید لغو شود و ایران هم راستی‌آزمایی خواهد کرد. آمریکا باید خساراتی که با خروج از برجام به ایران زده را بدهد؛ متأسفانه پس از خروج ایالات متحده، اروپایی‌ها هم متغافلانه بر خورد کردند و به‌رغم وعده‌های فراوان، گام عملیاتی برای جبران خسارات آمریکا یا اجرای تعهدات برجامی خود برنداشتند. اما جمهوری اسلامی به تمام تعهدات خود وفادار ماند. قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران، بستری مناسب بود اما دولت سابق از آن استفاده نکرد، چرا که باید با این قانون عزتمندانه به میز مذاکره می‌رفتند به رغم آنکه دولت پیشین از این قانون پر از مزیت بهره نبرد؛ پس از تصویب قانون اقدام راهبردی، طرف‌های مقابل برجام از مواضع تند خود عقب‌نشینی کردند و قانون فوق تأثیر خود را گذاشت.

* عضو هیات‌رئیس مجلس شورای اسلامی

یادداشت

مالک شیخی: شاید هیچ ملتی مانند ما، استعداد کور کردن چشم به قصد اصلاح ابرو را نداشته باشد. آنچنان که هر بار بحرانی بر جامعه آوار می‌شود بدون هیچ برآوردی، نظرات غیر کارشناسی از آسمان وزمین می‌ریزد و به جای حل مشکل، دستاورد دیگری تخریب می‌شود. اعتراض مردم اصفهان به خشکی زاینده‌رود از جدیدترین این برداشته این تئوری اعجاب‌برانگیز بوده است که با توجه به مصرف آب توسط کارخانه‌های فولادی اصفهان، راه نجات زاینده‌رود، انتقال فولاد مبارک و ذوب‌آهن به ساحل

خلیج فارس است. فارغ از سهم اندک صنایع از مصرف آب، نمی‌دانم تصور آن رسانه و آن مسوول از صنعت فولاد در چه حد بوده اما لازم است برای روشن شدن این راهکار ارائه‌شده، قدری به ابعاد آن بپردازیم. برای امکان اجرایی شدن این پیشنهاد به بررسی یکی از کارخانه بزرگ فولادی اصفهان بسنده می‌کنیم. در نخستین گام تنها با یک جست‌وجوی ساده متوجه می‌شویم کارخانه فولاد مبارک ۳۵۰۰ هکتار مساحت دارد که ۱۷۰۰ هکتار آن مختص سالن‌های تولید با تجهیزات غول‌پیکر است. صرفاً ابعاد این مساحت از سالن تولید برابر با ۳۴۰۰ زمین فوتبال است. ۳۴۰۰ برابر ورزشگاه آزادی! اینجا شاید موضوع طبیعی به نظر برسد اما ماجرا وقتی قابل تأمل می‌شود که بدانیم سازه‌های این کارخانه حدود ۲ میلیون مترمکعب بتن‌ریزی شده

خبر در هفته‌های اخیر در اتحادیه اروپایی، شاهد وقوع ۲ رخداد غیرانگیز هم‌زمان در قبال پناهجویان بوده‌ایم: یکی غرق شدن ۳۱ پناهجو در کانال مناش و دیگری استمرار بحران پناهجویان

مرز بلاروس و لهستان. کانال مناش که در شمال فرانسه و جنوب انگلیس واقع شده است، یکی از پررفت‌وآمدترین آبراه‌های جهان به شمار می‌رود و پناهجویان اغلب با شناورهای کوچک از آن عبور می‌کنند. سال جاری میلادی، نزدیک به ۲۶ هزار مهاجر غیرقانونی از کانال مناش عبور کرده و وارد خاک انگلیس شده‌اند. اخیراً پس از وقوع حادثه غرق شدن ۳۱ مهاجر - بر اثر واژگونی قایق حامل آنها - بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس و امانوئل مکررون، رئیس‌جمهور فرانسه یکدیگر را مقصر این بحران قلمداد کرده و از طرف مقابل خواستند مسؤلیت‌پذیری

دیدگاه



حنیف غفاری: طی هفته‌های اخیر در اتحادیه اروپایی، شاهد وقوع ۲ رخداد غیرانگیز هم‌زمان در قبال پناهجویان بوده‌ایم: یکی غرق شدن ۳۱ پناهجو در کانال مناش و دیگری استمرار بحران پناهجویان

بیشتری در قبال مهاجران غیرقانونی و تأمین جان آنها در کانال مناش داشته باشد! واقعیت امر این است که دولت‌های انگلیس و فرانسه در دوران سپارگریت، در صدد آن هستند تا از یکدیگر امتیازاتی را در حوزه‌های حقوقی، مهاجرتی، اقتصادی و استفاده از آبراه‌های مشترک بگیرند. در این معادله، تنها موضوعی که اهمیت ندارد، جان پناهجویان و مهاجران است. انگلیس و فرانسه با هدف تحت فشار گذاشتن یکدیگر در این آبرودگاه، کانال مناش را کلمارها کرده‌اند. هنوز مشخص نیست چه تعداد از پناهجویانی که قصد عبور از کانال مناش را داشته‌اند، به دور از توجه رسانه‌های غربی غرق شده و جان خود را از دست داده‌اند. ماجرا به این نقطه ختم نمی‌شود! آنچه امروز در مرز بلاروس و لهستان می‌گذرد، نماد دیگری از بازی خونین اتحادیه اروپایی با جان پناهجویان است. مقامات اروپایی می‌گویند پس از وضع تحریم‌های یکجانبه و سرسختانه این مجموعه علیه دولت لوکاشنکو در بلاروس - که مصادیق دخالت غرب در امور داخلی مینسک محسوب

برج میلاد منتقل خواهد شد؟

است که این حجم در مقابل حجم بتن‌ریزی برج میلاد تهران به عنوان یک سازه ملموس برای مقایسه، حدود ۴۰ برابر است. همچنین حجم خاک‌برداری برای فولاد مبارک حدود ۲۰ میلیون مترمکعب است که ۲۰ برابر خاک‌برداری ابرپروژه مشهدمال بوده و ساخت این کارخانه نیز ۱۳ سال طول کشیده است. پس تا اینجا کار، برای انتقال فولاد مبارک به نقطه‌های دیگر، ما به ۱۳ سال زمان و تلاشی به قدر انتقال ۴۰ برج میلاد، ۲۰ مشهدمال و ۳۴۰۰ ورزشگاه آزادی به مکانی دیگر نیازمندیم. اما یکی دیگر از راهکارهای عملیاتی برای مقابله با خشکسالی که در حال حاضر نیز اجرای آن آغاز شده است، پروژه انتقال آب از خلیج فارس به اصفهان، یزد و کرمان به طول ۹۱۰ کیلومتر است؛ پروژه‌ای با هزینه‌ای بالغ بر ۳۶ هزار میلیارد تومان که فولاد مبارک نیز ۲۸

تسویه حساب اروپا با خون پناهجویان

می‌شود - رئیس‌جمهور بلاروس نیز مرز کشورش را به سوی لهستان و اتحادیه اروپایی باز کرده و پناهجویان را در اقدامی تلافی‌جویانه به سوی کشور همسایه خود گسیل داشته است. فارغ از اینکه اصل ادعای مقامات اروپایی تا حد زیادی صحیح یا نادرست است، در این ماجرا نکته اساسی و ابهام مهمی وجود دارد؛ اینکه چرا سران اروپایی واحد ۵ هزار پناهجویی سرگردان را که تعدادی از آنها زنان و کودکان هستند، در مرز بلاروس و لهستان نگاه داشته و به صورت بی‌بینه علیه دولت لوکاشنکو مشغول شده‌اند؟! آیا اسکان این تعداد پناهجو - تا زمان حل و فصل اساسی بحران به وجود آمده - از عهده اروپای واحد است؟ پاسخ این سوال تلخ است: سران اروپا مانند امانوئل مکررون، رئیس‌جمهور فرانسه تأکید دارند با توجه به تقویت موقعیت احزاب ملی‌گرا و افراطی در اتحادیه اروپایی، لازم است مواجهه سخت‌تری با پناهجویان داشت و به هر قیمت ممکن - حتی به قیمت مرگ آنها - مانع ورود آنها به خاک اروپا شود. امانوئل مکررون، رئیس‌جمهور فرانسه هادینگر اصلی این صحنه است.

درصد هزینه آن را سرمایه‌گذاری کرده است. طبق اخبار، همین شرکت برای اجرای تونل سوم کوهرنگ و جاری شدن زاینده‌رود نیز ۵۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرده است. اکنون تصور کنیم فولاد مبارک در اصفهان نباشد و برای پروژه انتقال آب از خلیج فارس به اصفهان، قرار بود دولت و استانداری اصفهان بودجه اجرای این پروژه‌ها را تأمین کنند. لذا لازم است بدانیم کل بودجه استان اصفهان در سال ۱۴۰۰ تنها ۲۰ هزار میلیارد تومان است (مجدد تأکید می‌کنم کل بودجه استان). حال بر فرض که فولاد مبارک در اصفهان نبود، آیا بودجه استانداری اصفهان تحمل پرداخت هزینه این ۲ ابرپروژه را داشت؟ ناگفته روشن است در بیشتر مناطق ایران میزان بارندگی زیر ۱۰۰ میلی‌لیتر و میانگین تبخیر سالانه ۲۵۵۶ میلی‌لیتر است؛ این در حالی است که بحران

آب، مشکلات زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی‌ای را به وجود می‌آورد که چاره آن را قبل از وقوع باید کرد اما گویا بیش از بحران اجتماعی، بحران فکری نیز در برخی رسانه‌ها و مسوولان کشور رخ داده و هر راهکار غیرمنطقی را نیز قابل ارائه می‌دانند، حال آنکه گاهی چیزی نگفتن بهتر از هر چیزی گفتن است. بی‌نوشته: حکایت است شیب، مردی سکه طلای خود را سر کوچهای گم کرده بود ولی برای پیدا کردن آن، انتهای کوچه را می‌گشت. فرزندش از او پرسید پدر چگونه است که تو سکه را ابتدای کوچه گم کردی ولی در انتهای کوچه به دنبال آن می‌گردی. مرد رو مغالیه، شاهد سقوط دولت لهستان و تضعیف دولت لوکاشنکو در بلاروس باشند؛ در این نقشه راه کوتاهمدت، اساساً اهمیتی ندارد چند کودک بر اثر سرما جان خود را در مرز بلاروس - لهستان از دست بدهند. سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشری در خاک اروپا نیز ترجیح می‌دهند به رصد پارامترهای تخنمی و مطلوب خود در آن سوی مرزهای اروپا پرداخته و عمدانه چشم خود را به تسویه حساب داخلی اروپاییان با خون پناهجویان ببندند. * دکتری روابط بین‌الملل

مکررون در فاصله ۶ ماه مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری کشورش معتقد است هر اندازه پناهجویان بیشتری بر اثر سیاست‌های سختگیرانه اتحادیه اروپایی در مضیقه و فشار قرار بگیرند، به همان میزان آرای گروه‌های نژادپرست و افراطی بیشتر در سبد رای وی به گردش در خواهد آمد. اما این بازی لایه پیچیده‌تری نیز دارد که بسیاری از رسانه‌های غربی به صورت عمدانه از کنار آن عبور می‌کنند. این مسأله، به منازعات داخلی لهستان و اتحادیه اروپایی مربوط می‌شود. دولت ملی‌گرای لهستان با دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی بر سر پرونده‌هایی مانند «حمایت از سقط جنین»، «الزامی بودن احکام دادگاه اروپا»، «مشارکت در حل بحران‌های اجتماعی در اتحادیه اروپایی» و... اختلافات شدیدی دارد. بنابراین یکی از انگیزه‌های اساسی کشورهایمانند آلمان و فرانسه از حفظ پناهجویان در مرز بلاروس و لهستان و عدم اسکان دادن آنها در کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپایی، تضعیف دولت مستقر در ورشو و متقابلاً، سقوط این دولت است؛ موضوعی که دولت لهستان نیز هنوز آن

مکررون در فاصله ۶ ماه مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری کشورش معتقد است هر اندازه پناهجویان بیشتری بر اثر سیاست‌های سختگیرانه اتحادیه اروپایی در مضیقه و فشار قرار بگیرند، به همان میزان آرای گروه‌های نژادپرست و افراطی بیشتر در سبد رای وی به گردش در خواهد آمد. اما این بازی لایه پیچیده‌تری نیز دارد که بسیاری از رسانه‌های غربی به صورت عمدانه از کنار آن عبور می‌کنند. این مسأله، به منازعات داخلی لهستان و اتحادیه اروپایی مربوط می‌شود. دولت ملی‌گرای لهستان با دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی بر سر پرونده‌هایی مانند آلمان و فرانسه از حفظ پناهجویان در مرز بلاروس و لهستان و عدم اسکان دادن آنها در کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپایی، تضعیف دولت مستقر در ورشو و متقابلاً، سقوط این دولت است؛ موضوعی که دولت لهستان نیز هنوز آن